

تبیین رابطه‌ی میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل، با نوع

روابط همسران در خانواده

خدیجه سفیری*، راضیه آراسته**، مرضیه موسوی***

چکیده: هدف این مقاله، تبیین رابطه‌ی میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان با نوع روابط همسران در خانواده است. در این پژوهش پس از تحلیل نظریات و مطالعات انجام‌شده در این زمینه، به‌منظور تبیین مسئله‌ی نوع روابط همسران در خانواده به لحاظ دموکراتیک بودن، از تئوری منابع (نظریه‌های بلود و ولف، گیدنز، کرامول، ویلموت و یانگ) و تئوری مبادله (نظریه‌های پیتر بلا) استفاده می‌کنیم. سرمایه‌ی فرهنگی با استفاده از نظریه‌ی بوردیو، از سه بخش سرمایه‌ی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادی‌شده تشکیل می‌شود و شامل دانش‌ها، مهارت‌ها و هنرهایی است که افراد آن‌را از طریق آموزش و زمینه‌ی فرهنگی به‌دست می‌آورند. همچنین مالکیت میراث‌های فرهنگی و سهولت دسترسی به آن‌ها و داشتن مدرک تحصیلی نیز است. روش این پژوهش پیمایشی است و گردآوری اطلاعات با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از میان ۳۳۴ زن متأهل و تکنیک پرسش‌نامه انجام می‌شود. پردازش داده‌ها به دو روش دومتغیره و چندمتغیره انجام می‌شود و یافته‌ها نشان می‌دهد که با بالا رفتن سرمایه‌ی فرهنگی زنان، روابط آن‌ها با همسر دموکراتیک‌تر می‌شود. از میان متغیرهای زمینه‌ای میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان، میزان درآمد شوهر و منزلت شغلی شوهر با نوع روابط همسران رابطه‌ای معنادار وجود دارد. **واژه‌های کلیدی:** سرمایه‌ی فرهنگی، روابط همسران، خانواده‌ی زنان.

مقدمه و طرح مسئله

موضوع مورد مطالعه، رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده است. «سرمایه‌ی فرهنگی» یک مفهوم جامعه‌شناختی است که بوردیو و ژان کلود پاسرون اولین بار این واژه را در مورد بازتولید فرهنگی و اجتماعی به‌کار برده‌اند (هارکر، ۱۹۹۰: ۱۳).

m_safiri@yahoo.com

arasteh1981@yahoo.com

mar_mousavi2002@yahoo.com

* استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

** کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

*** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۷/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۰۷/۰۹

۸ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

برای بورديو کارکردهای سرمایه به عنوان یک رابطه‌ی اجتماعی درون یک سیستم مبادله است و این واژه به همه‌ی کالاهای مادی و نمادین گسترش یافته است که میزان و ارزش یک فرد را و در یک کلمه، جای‌گاه او را در یک ساختار اجتماعی مخصوص نشان می‌دهد (همان). وضعیت و موقعیت هر فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی به وسیله‌ی دو مشخصه ترسیم می‌شود:

- ترکیب انواع سرمایه

- حجم کلی سرمایه‌ها (راب استونز^۱، ۱۳۷۱: ۳۵۲؛ فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷).

به‌طور کلی، موقعیت افراد (در این مقاله؛ زنان) برحسب حجم و نوع سرمایه‌ی فرهنگی آن‌ها مشخص می‌شود و جای‌گاه آن‌ها را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه مشخص می‌کند (بورديو: ۱۳۸۰).

در ایران نزدیک به سه دهه است که مسئله‌ی زنان به انحاء مختلف مورد بحث و تبیین قرار گرفته است. در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد فاطمه امیریزنی، با عنوان «جای‌گاه زنان در هرم قدرت خانواده» جامعه‌ی آماری، استادان زن و مردی هستند که در نیمسال اول تحصیلی ۷۶-۷۷ در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز تدریس می‌کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که: الف) تحصیلات دانشگاهی زن در جای‌گاه او در هرم قدرت خانواده مؤثر است (تحصیلات یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی فرهنگی است). ب) رابطه‌ای معنادار بین اشتغال زن و قدرت تصمیم‌گیری او در به‌نام کردن اموال و مایملک خانواده وجود دارد. ج) هم‌چنین دارایی‌ها و درآمد زن از دیدگاه مردان تحصیل کرده (در این پژوهش استادان مرد) سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری او در خانواده می‌شود (امیریزنی، ۱۳۷۷).

پژوهشی با عنوان «تبیین روابط انسانی در خانواده‌های تهرانی» در سال ۱۳۷۸ انجام و در آن از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه‌ی آماری، زنان و مردان همسر دار ساکن تهران هستند که حداقل یک فرزند هفت تا بیست‌ساله دارند. نتیجه این‌که؛ نقش تحصیلات زن و شاغل بودن او در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده حائز اهمیت بوده است (بهنود، ۱۳۸۲).

پژوهشی دیگر نیز درباره‌ی ساختار قدرت در خانواده، در سال ۱۳۷۶ صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری، کارکنان متأهل دانشگاه تهران و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه و روش نمونه‌گیری، تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای بوده است و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان ساختار قدرت در خانواده، خاستگاه زوجها و احتمال تکرار همان ساختار در زندگی زناشویی، رابطه‌ای وجود ندارد (همان منبع).

¹. Rob Stones

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۹

همچنین مطالعات نشان می‌دهد که آمار طلاق در سال ۸۵ نسبت به سال ۷۵ در کل کشور ۱۴۸/۶۷ درصد رشد داشته که آمار قابل توجه است. گفتنی است که در تمام سال‌های مورد سنجش، استان تهران رتبه‌ی اول را در طلاق داشته است (موسوی و سلطانی، ۱۳۸۴).

تغییر شرایط زنان در خانواده و اجتماع از یک‌سو و افزایش آمار طلاق از سوی دیگر نشان‌دهنده‌ی تغییر در روابط همسران است. نقش‌های جدید زنان بدون تغییر در نقش‌های قبلی مردان، روابط را در خانواده‌ها دچار بحران می‌کند که آمار بالای طلاق ممکن است یکی از پیامدهای آن باشد. در این شرایط هر یک از زوج‌ها که بتوانند با سرمایه‌های فرهنگی خود و مشارکت با یکدیگر در تصمیم‌گیری‌ها از قدرتی متوازن برخوردار شوند، خانواده را در مسیر تنش کمتر قرار خواهند داد. لذا در این مقاله بر آنیم تا با تبیین میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان و رابطه‌ی آن با روابط با همسران به این مسئله بپردازیم:

آیا سرمایه‌ی فرهنگی زنان با نوع روابط آن‌ها با همسران‌شان در خانواده رابطه دارد؟ سرمایه‌ی فرهنگی شامل مؤلفه‌های گوناگون نظیر اشکال دانش، آموزش، نوع شغل، پرستیژ شغلی، مهارت و سبک زندگی و همه مزایایی است که یک فرد را در جامعه در جای‌گاه بالاتر قرار می‌دهد و انتظارات او را بالا می‌برد.

کارکردهای سرمایه‌ی فرهنگی همانند یک رابطه‌ی اجتماعی درون یک سیستم مبادله است که خود سرمایه‌ی فرهنگی شامل دانش فرهنگی انباشته‌شده است و قدرت و منزلت را به فرد دارنده‌ی خود اعطا می‌کند (هارکر^۲ و همکاران، ۱۹۹۰) زیرا سرمایه‌ی فرهنگی قابلیت تبدیل به انواع دیگر سرمایه، از جمله سرمایه‌ی اقتصادی را دارد. مثلاً فردی که به‌خوبی به زبان انگلیسی مسلط است می‌تواند از طریق آموزش آن به دیگران کسب درآمد کند و درآمد هم به فرد قدرت می‌دهد.

به نظر می‌رسد که انجام پژوهش‌های بنیادی برای شناخت سرمایه‌ی فرهنگی زنان و ارتباط آن با تعاملات خانواده در موقعیت امروز ایران (که تقریباً کلیه‌ی ساختارها، نهادها، هنجارها و ارزش‌ها دست‌خوش تغییر و بازاندیشی است) بیش‌ازپیش ضروری است.

طبق نظر بوردیو «جای‌گاه و موقعیت» هر کنش‌گر او را به‌سوی الگوی رفتاری خاصی متمایل می‌کند و در نتیجه افرادی با جای‌گاه سروری در پی اجرا کردن راهبردهای بقا و حفظ خشونت نمادین و تنزل‌یافتگان، مستعد به‌کارگیری راهبردهای براندازی و انهدام هستند» (ریتزر^۳، ۱۳۷۴: ۷۳۴).

^۲. Harker, Richard, Mahar cheleen, Wilkes, Chris (eds)

^۳. Ritzer

میزان دارا بودن سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند موقعیت زنان را به لحاظ نوع رابطه با همسرشان (این که رابطه دوسویه و دموکراتیک باشد یا یک‌سویه) دگرگون کند. یعنی به‌نوعی می‌توان گفت که میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان می‌تواند روابطی متفاوت با همسر و سایر اعضای خانواده ایجاد کند و شیوه‌ی زندگی را تغییر دهد.

متغیر سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند شیوه‌ی زندگی زنان را در زمینه‌های گوناگون نظیر منش، نگرش، نوع خوراک، پوشاک و غیره و همچنین نوع رابطه‌ی آن‌ها را با همسران‌شان در خانواده تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین طبق طرح مسئله‌ی مطروحه در سطور فوق، فرض کلی پژوهش این است که میان سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط آن‌ها با همسران‌شان رابطه‌ای معنادار وجود دارد یعنی؛ هرچه میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان بالاتر باشد، نوع روابط آن‌ها با همسرشان دوسویه و دموکراتیک‌تر است:

- سرمایه‌ی فرهنگی زنان با نوع روابط مبتنی بر قدرت در خانواده ارتباطی معنادار دارد.
- سرمایه‌ی فرهنگی زنان با نوع روابط مبتنی بر گفتگو در خانواده ارتباطی معنادار دارد.
- سرمایه‌ی فرهنگی زنان با نوع روابط مبتنی بر ابراز محبت و صمیمیت با همسرشان ارتباطی معنادار دارد.

در فرضیات زمینه‌ای پژوهش نیز فرض بر این است که میان فاصله‌ی سنی زن و شوهر، فاصله‌ی تحصیلات آن‌ها، میزان درآمد و منزلت شغلی شوهر و تعداد سال‌هایی که از ازدواج می‌گذرد، پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده‌ی زن و شوهر و نوع ازدواج آن‌ها، همچنین تحصیلات و سن زن با روابط دموکراتیک در خانواده رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

مبانی نظری

در این قسمت به تبیین تئوری‌هایی می‌پردازیم که متغیر وابسته یعنی نوع روابط همسران در خانواده و متغیر مستقل یعنی سرمایه‌ی فرهنگی بر آن استوار است.

نظریه‌ی منابع^۴

ممکن است بتوان به تئوری منابع به‌عنوان نسخه‌ای از تئوری مبادله نگریست. کرامول^۵ (۱۹۷۵) معتقد است که نظریه‌ی منبع با تأکید بر سه فرض عمده می‌کوشد تا به شناخت پدیده‌های اجتماعی

^۴. Resource-Theory

^۵. Cromwell

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۱۱

دست یابد: ۱- هر انسانی به طور مستمر می‌کوشد تا نیازهایش برآورده شود و مشتاق است تا به اهدافش برسد. ۲- بسیاری از نیازهای انسان با کنش متقابل اجتماعی برآورده می‌شود. ۳- طی این کنش متقابل، مبادله‌ی دایمی منابعی انجام می‌شود که در برآورده ساختن احتیاجات فرد و دست‌یابی به اهداف نقشی مؤثر را بازی می‌کنند (قندهاری، ۱۳۸۲: ۲۲). این نظریه بیان‌گر آن است که در روابط زن و شوهر، توازن قدرت در تصمیم‌گیری به طرف فردی است که بزرگ‌ترین (بااهمیت‌ترین) منابع را در اختیار دارد. به نظر بلود و ولف^۶ (۱۹۶۰) منابع شامل توانایی کسب درآمد، تحصیلات و پرستیژ شغلی است که همگی وابسته به دنیای اقتصاد بیرون خانه هستند؛ جایی که مردان برتری بیشتری نسبت به زنان دارند. گرچه منابع غیر اقتصادی نظیر مشارکت، حمایت عاطفی و مهارت‌های اجتماعی برای زنان مزایایی دارد، اما در جوامع غربی به پول، پایگاه و پرستیژ شغلی بیشتر اهمیت می‌دهند و این ویژگی‌ها دقیقاً چیزهایی هستند که زنان را در ازدواج برتر می‌سازد (ریترز، ۱۹۷۹: ۳۹۰).

یکی از مطالعاتی که در زمینه‌ی جامعه‌شناسی خانواده انجام شده، کار ویلموت و یانگ^۷ (۱۹۶۰) است. آن‌ها استدلال می‌کردند که به دلیل وجود تغییرات در دهه‌ی اخیر و اشتغال زنان، تقسیم‌کار بین زن و مرد در محیط خانواده در حال تغییر است یعنی مردان بیشتر به کارهای خانه می‌رسند و زنان امکان بیشتری برای کار در بیرون از خانه دارند. ویلموت و یانگ عقیده داشتند که به این ترتیب زن و شوهر در امور مالی و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند و خانواده دموکراتیک‌تر می‌شود و آن‌ها امیدوار بودند که خانواده‌ی بریتانیایی روزبه‌روز متقارن‌تر شود. یعنی نقش زن و شوهر بیشتر به هم شباهت پیدا می‌کند و در نهایت هماهنگ خواهد شد. البته فمینیست‌ها این نظر را قبول ندارند که برابری و تقارن در خانواده بیشتر شده است و برعکس ادعا می‌کنند که خانواده صحنه‌ای نابرابر است که زنان در آن به انقیاد کشیده می‌شوند و نقش ایشان تداوم می‌یابد (آبوت و والاس^۸، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

در این مقاله منظور از منابع همان شغل و تحصیلات بالا است که به زنان در رابطه با همسرشان اقتدار می‌بخشد و روابط را به سمت روابط دموکراتیک هدایت می‌کند. چرا که زن دارای پایگاه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بالا، رابطه‌ی آمرانه، یک‌طرفه و نامتقارن درون خانواده‌ی سنتی را بر نمی‌تابد و

^۶. Blood R.O & Wolf D.m

^۷. Willmott and Young

^۸. Abbot and Wallas

مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده را نیز انتظار دارد و رابطه‌ای عادلانه‌تر با همسر خود می‌خواهد و روابط مردسالارانه را به چالش می‌طلبد.

تئوری مبادله^۹

از نظریه‌پردازان مبادله می‌توان از پیتر بلا^{۱۰} نام برد. بلا معتقد است «هرگاه طرفی به چیزی از آن دیگری نیاز داشته باشد، اما برای جبران آن نتواند چیزی قابل مقایسه ارائه کند چهار صورت مطرح می‌شود: نخست، انسان‌ها می‌توانند به‌زور دیگران را وادار به کمک کنند. دوم، آن‌ها می‌توانند برای رفع نیازهای‌شان به منبعی دیگر رجوع کنند. سوم، آن‌ها می‌توانند بدون آن چیزی که باید از دیگران به دست بیاورند، گلیم‌شان را از آب بیرون بکشند. سرانجام و از همه مهم‌تر آن‌ها می‌توانند خودشان را تابع دیگران کنند و از این طریق، اعتبارِ تعمیم‌یافته در روابطشان را به دیگران واگذار کنند. دیگران نیز هرگاه خواسته باشند آن‌ها برای‌شان کاری انجام دهند، روی این اعتبار حساب باز می‌کنند که این صورت چهارم همان ویژگی اساسی قدرت در یک رابطه است» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۳۵).

بلا معتقد است که افراد خواهان آن هستند که پاداش‌های خود را به حداکثر و هزینه‌های خود را به حداقل برسانند، اما بی‌تعدالی‌ها و نابرابری‌ها ناگزیر پدید می‌آید. برخی مبادله‌ها پاداشی برابر برای دو طرف مبادله در بر ندارد. طرفی که پاداشی کمتر گرفته‌است در واقع برای خوشایند طرف دیگر هزینه‌ای کرده است که نمی‌تواند آن را جبران کند و این یک عدم تعادل است. بلا، طبیعت نامتعادل مبادله‌ها را یکی از نکات اصلی در فهم پیدایش قدرت اجتماعی می‌داند (اسکیدمور^{۱۱}، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

بلا بر این نظر است که طرف فرودست در مبادله‌های نامتعادل یا نابرابر ممکن است کار طرف پاداش‌دهنده‌ی خود را با نوعی تقویت عمومی جبران کند که هومنز^{۱۲} آن را تأیید اجتماعی نامیده است و بلا آن را فرمان‌برداری یا تسلیم می‌نامد و به این معناست که فرد در مقابل دریافت امتیازی که نمی‌تواند به‌طور کامل آن را تلافی کند، تمایل دارد که از بعضی خواسته‌های خود در مقابل طرف دیگر چشم‌پوشی کند و فرمان‌بردار شود. فرمان‌برداری در مبادله‌های نابرابر نوعی اعتبار به طرف برتر می‌بخشد. فرمان‌برداری از این لحاظ برای طرف برتر اعتبار محسوب می‌شود که موضع او را به‌ویژه در مبادله‌های عمومی شناخته شده،

¹⁰. Exchange Theory

¹⁰. Peter Blau

¹¹. Skidmore

¹². Homans

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۱۳

استواری می‌بخشد. خواسته‌ی طرف برتر می‌تواند مسلط شود زیرا نوعی پروانه‌ی فرماندهی بر دیگران را به او می‌دهد که اشخاص معمولی فاقد آن هستند (همان، ۱۰۷).

در این مقاله نیز فرض بر این است که زنان شاغلی که سرمایه‌ی فرهنگی بیشتری در اختیار دارند در رابطه با همسران خود از قدرتی بالاتر برخوردار می‌شوند و روابط در چنین خانواده‌ای دموکراتیک‌تر خواهد بود چرا که آن‌ها در تبادل روابط با همسر خود منابع پاداش را در اختیار دارند و عکس این قضیه نیز صادق است یعنی؛ زنانی که این منابع را در جریان تبادل روابط با همسرشان در اختیار ندارند، به ناچار مطیع‌تر خواهند بود.

سرمایه‌ی فرهنگی^{۱۳}

اصطلاح سرمایه‌ی فرهنگی از قیاس با سرمایه‌ی اقتصادی و نظریات و قوانین و تحلیل مباحث مربوط به سرمایه‌داری رواج یافت (روح‌الامینی، ۱۳۶۵: ۳۳). بوردیو از جامعه‌شناسانی است که با الهام از سنت فرانسوی مطالعات قشربندی و تکثرگرایی وبر^{۱۴} از سلیقه و ذائقه به‌عنوان حالتی مکتسب در ایجاد تمایزات اجتماعی نام می‌برد.

سلیقه در واقع سلطه‌ی عملی توزیع است که جهت‌گیری‌های انسانی را از حالت‌های بدنی تا رویه‌های گوناگون رفتاری، فکری و زیبایی‌شناختی شکل می‌بخشد و خود بر اساس سرمایه‌ی فرهنگی شکل می‌گیرد. «بوردیو» معتقد است که در تبیین زیبایی‌شناختی باید به دنبال تکوین فردی و جمعی این پدیده‌ی تاریخی بود و هرگونه تلاش برای تعریف جوهری آن بی‌فایده و محکوم به شکست است (بوردیو، ۱۹۸۹: ۲۸).

او در تبیین گرایش‌های خاص زیبایی‌شناختی و آثار هنری و ارزیابی سلیقه به تبیین سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد که به‌دنبال خود سبک زندگی مشابهی را برای گروه‌ها و طبقات اجتماعی به ارمغان می‌آورد.

هم‌چنین سرمایه‌ی فرهنگی از نظر بوردیو به دانش‌ها و مهارت‌هایی اشاره دارد که عاملان اجتماعی از طریق آموزش و زمینه‌ی فرهنگی به آن دست می‌یابند. سرمایه‌ی فرهنگی غالباً مربوط به منزلت و محتواهای منابعی نظیر: هنر بلاغت، هنر مجاب‌کردن و متقاعدکردن دیگران، ترجیحات زیباشناختی و مفهوم‌های فرهنگی است (هیلر و روکزیبی^{۱۵}، ۲۰۰۲).

13 . cultural capital

14 . Weber

15 . Hiller and Rooksby

از نظر بورديو تشابهات در سبک زندگی سبب عادات خاص در زندگانی می‌شود که در عین عملی بودن، پویا و فعال نیز هستند. بر اساس مشاهدات علمی، نیازهای فرهنگی نتیجه‌ی تربیت و تحصیلات است. اعمال و ترجیحات فرهنگی با سطوح تحصیلی و منشأ اجتماعی دارای پیوندی تنگاتنگ است. زمینه‌ها و پیشینه‌های خانوادگی و تحصیلات رسمی که بستگی زیادی به منشأ اجتماعی^{۱۶} دارد، همراه با میزان مشروعیت‌بخشی سیستم آموزشی بر اعمال فرهنگی پایگاه بالاتر تعیین می‌گردد و در صورت کنترل سایر موارد، تأثیر منشأ اجتماعی در فرهنگ برتر بیشتر است (همان: ۳۰).

به نظر بورديو، سرمایه‌فرهنگی به سه‌شکل وجود دارد:

۱- سرمایه‌ی بدنی و فردی: این سرمایه با کوشش، تجربه و استعداد فرد حاصل می‌شود و با مرگ دارنده‌ی آن از بین می‌رود و نمی‌توان آن‌را به دیگری واگذار کرد مانند حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری.

۲- سرمایه‌ی عینی^{۱۷} فرهنگی: مجموعه میراث‌های فرهنگی مانند: شاه‌کارهای هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به‌صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملک اختصاصی افراد و خانواده‌هاست. این سرمایه قابل انتقال به دیگران است. این مالکیت انحصاری به‌دلیل مجاورت و سهولت دسترسی و امکانات جانبی، تأثیر تربیتی و آموزشی بر روی مالکان آن سرمایه دارد.

۳- سرمایه‌ی نهادی و ضابطه‌ای: این سرمایه‌ی فرهنگی به کمک ضوابط اجتماعی و به‌دست آوردن عناوین برای افراد موقعیت کسب می‌کند مانند مدرک تحصیلی و تصدیق حرفه و کار. این سرمایه نیز قابل انتقال و واگذاری نیست و به‌دست آوردن آن برای افراد، بستگی به شرایطی معین دارد (روح‌الامینی، ۱۳۶۵: ۳۴۵).

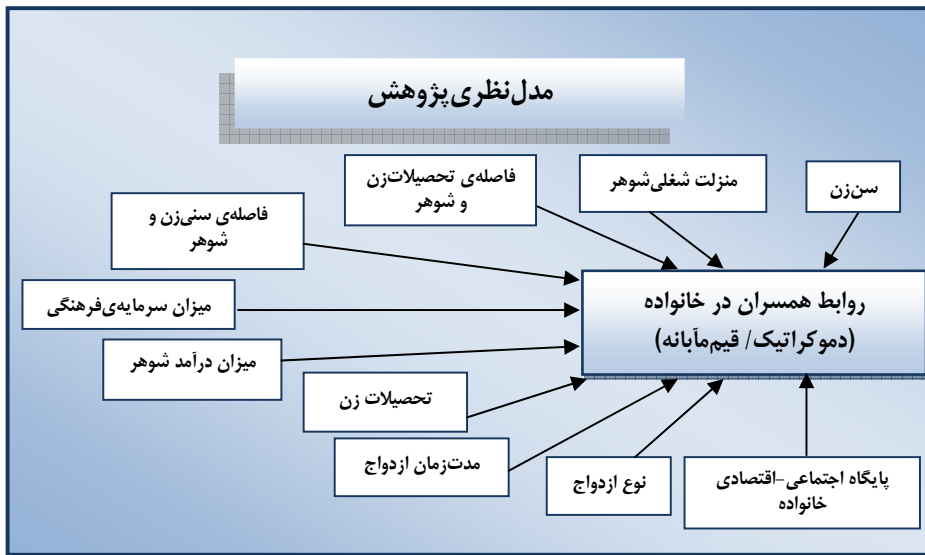
هم‌چنین سرمایه‌ی فرهنگی از نظر بورديو دربرگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود. کالاها، مهارت‌ها و انواع دانش‌مشروع، از سرمایه‌های فرهنگی هستند. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه‌ی فرهنگی می‌داند. سرمایه‌ی فرهنگی نقشی بسیار عمده در اندیشه‌ی بورديو دارد. جامعه‌شناسی مصرف و سبک زندگی بر همین سرمایه استوار است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷).

¹⁷. Social Origin

¹⁸. Objective Capital

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۱۵

در تعریفی دیگری، ترنر^{۱۸} (۱۹۹۸) سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عادت‌واره‌ها^{۱۹}، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک تحصیلی و آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی تعریف می‌کند که به‌طور غیر رسمی بین افراد انسانی معمول و شایع است. کالینز سرمایه فرهنگی را شامل منابعی چون مکالمات ازپیش‌اندوخته در حافظه، شیوهی زبانی، انواع خاص دانش و مهارت، حق ویژه‌ی تصمیم‌گیری و حق دریافت احترام می‌داند (ریتزر، ۱۳۷۹: ۷۲۵).



روش تحقیق

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته: متغیر وابسته‌ی پژوهش، نوع روابط همسران در خانواده است که توسط سه شاخص: قدرت، گفت‌وگو و ابراز صمیمیت سنجیده می‌شود، یعنی نوع رابطه‌ی مرد با همسرش در سه حوزه تبیین می‌شود. سپس نوع رابطه در خانواده در سه دسته‌ی دموکراتیک، نیمه‌دموکراتیک و غیر دموکراتیک و

¹⁸. Turner

¹⁹. Symbols, Habitués

۱۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

یک‌سویه مشخص می‌شود. میزان موافقت یا مخالفت با هر یک از گویه‌ها در یک مقیاس پنج‌درجه‌ای شامل پاسخ‌های: کاملاً مخالف، مخالف، بی‌طرف/بینابین، موافق و کاملاً موافق تعیین می‌شود.

متغیر مستقل: سرمایه‌ی فرهنگی، متغیر مستقل است. بوردیو سه شکل از اشکال سرمایه‌ی فرهنگی را از هم متمایز می‌کند: سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته، سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده (که ما نیز در این جا سه شکل از سرمایه را به‌عنوان زیرمجموعه‌های سرمایه‌ی فرهنگی تبیین کرده‌ایم).

تعریف عملیاتی متغیر وابسته:

نوع روابط با همسر: متغیر وابسته‌ی پژوهش توسط سه شاخص قدرت، گفت‌وگو و ابراز صمیمیت سنجیده می‌شود.

قدرت: با دو دسته سؤال سنجیده شده است. دسته‌ی اول شامل سؤال‌هایی است که ۱۹ حوزه‌ی تصمیم‌گیری در خانواده را شامل می‌شود. از این طریق مشخص می‌شود که در هر یک از حوزه‌ها تصمیم‌گیری‌ها به چه صورت است. دسته‌ی دوم سؤال‌هایی درباره‌ی هم‌فکری و اثرگذاری در خانواده، چگونگی تأثیرگذاری بر برنامه‌های خانواده و نقش زن در امور خانواده است.

میزان گفت‌وگو بین زوج‌ها: گفت‌وگو نوعی سیلان و جریان معنا میان شماری از افراد است. از رهگذر این جریان معنا، نوعی فهم و درک نو پدیدار می‌شود که در آغاز گفت‌وگو وجود نداشته است (پایا، ۱۳۸۱: ۹۳). مؤلفه‌هایی که در سنجش مفهوم وضعیت گفت‌وگو در نظر گرفته می‌شوند عبارت است از: قدرت خطاپذیری، منطقی بودن، توانایی ابراز نظر، اعتقاد به مشورت، تبادل نظر و مباحثه، آزادی بیان که توسط هفت گویه تبیین می‌شود که آیا فضای گفت‌وگوی دوطرفه در خانواده شکل گرفته است یا بیشتر ارتباطات کلامی از نوع مونولوگی و یک‌طرفه (از سوی مرد) است.

ابراز صمیمیت بین زوج‌ها: روابط در بعد ابراز صمیمیت و روابط عاطفی در سه دسته طبقه‌بندی می‌شود: ابراز صمیمیت و روابط عاطفی یک‌طرفه، ابراز صمیمیت و روابط عاطفی بینابین و ابراز صمیمیت و روابط عاطفی دوطرفه که توسط ۱۳ گویه سنجیده می‌شود و مؤلفه‌های آن عبارتند از: توانایی ابراز محبت، محبت دوطرفه، میزان خصوصی بودن ابراز محبت، تساهل و مدارا و هم‌دلی (هاتفیلد^{۲۰}، ۱۹۸۸).

²⁰.Hatfield

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۱۷

تعریف عملیاتی متغیر مستقل:

سرمایه فرهنگی: طبق نظر بوردیو شامل کالاهای، مهارت‌ها و انواع دانش‌ها نظیر دانستن موسیقی، هنرهای گوناگون، زبان‌های گوناگون، نوع کالاهای مصرفی و اغذیه مورد استفاده و غیره است که سبک زندگی جزئی از سرمایه‌ی فرهنگی است (ریتزر، ۱۳۷۹: ۷۲۵).

قلمرو تحقیق

جامعه‌ی آماری: تعریف و تعیین حدود جامعه‌ی آماری (جمعیت تحقیق) بنا بر ضرورت موضوع و مسئله‌ی تحقیق و محدودیت‌های عملی و امکاناتی مشخص می‌شود که فرد برای انجام تحقیق در اختیار دارد. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، کلیه‌ی زنان متأهل شهر تهران هستند که ۲۴ تا ۵۰ سال سن دارند و حداقل یک‌سال تجربه‌ی زندگی مشترک داشته‌اند و شامل دو گروه شاغل و خانه‌دار است.

نمونه‌گیری

تعیین حجم نمونه: تعیین حجم نمونه به عواملی چون تعمیم نتایج، دقت برآوردهای آماری، تعداد سؤال‌ها، شیوه‌ی تحلیل داده‌ها و غیره بستگی دارد. هر چه نمونه بزرگ‌تر باشد، دقت و اطمینان نتایج تحقیق برای تعمیم به کل جامعه بیشتر می‌شود (کرلینجر، ۱۳۶۶: ۱۵۲). در این‌جا حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده و تعداد آن ۳۲۴ نفر از زنان متأهل خانه‌دار و شاغل است.

اعتبار و روایی ابزار سنجش

برای سنجش اعتبار گویه‌ها در این پژوهش از روش *اعتبار سازهای* استفاده کرده‌ایم. «اعتبار سازهای، حاکی از رابطه ملاک‌های مختلف نسبت به یکدیگر یا بیان‌گر رابطه‌ی سازه با متغیرهای مورد گمانه در فرضیه و بیان‌گر فقدان رابطه با دیگر متغیرهایی است که در گمانه، بی‌ارتباط تلقی شده‌اند» (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۹).

جدول (۱): میزان روایی طیف‌ها و ضرایب آن‌ها

متغیر / ضرایب	حوزه‌های تصمیم‌گیری در خانواده	هم‌فکری	انترگذاری	روابط مبتنی بر گفت‌وگو	ابراز محبت	مهارت در انواع هنرها	سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته
میزان روایی	۰/۸۸	۰/۸۱	۰/۸۰	۰/۷۷	۰/۹۱	۰/۷۲	۰/۶۷

یافته‌های تحقیق

جدول توصیفی

- میزان سرمایه‌ی فرهنگی در بین زنان شاغل و خانه‌دار

جدول (۲): اطلاعات مربوط به میزان و درصد انواع سرمایه‌ی فرهنگی در

سطوح مختلف میان زنان شاغل و خانه‌دار

متغیر	میزان بر خورداری	شاغل		خانه‌دار		کل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته	سطح پایین	۵۳	۹۱/۴	۲	۱۰۰	۵۵
	سطح متوسط	۴	۶/۹	۰	۰	۴
	سطح بالا	۱	۱/۷	۰	۰	۱
سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته	سطح پایین	۱۱	۱۲	۳	۱۰۰	۱۴
	سطح متوسط	۴۹	۵۲/۳	۰	۰	۴۹
	سطح بالا	۳۲	۳۴/۸	۰	۰	۳۲
سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه	سطح پایین	۲۹	۱۸/۴	۸۶	۵۲/۸	۱۱۵
	سطح متوسط	۱۱۱	۷۰/۳	۷۴	۴۵/۴	۱۸۵
	سطح بالا	۱۸	۱۱/۴	۳	۱/۸	۲۱

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌کنید میزان و درصد سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته در سطح پایین، متوسط و بالا در میان زنان خانه‌دار کمتر از زنان شاغل است. همچنین میزان و درصد سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته در سطح پایین، متوسط و بالا در میان زنان خانه‌دار کمتر از زنان شاغل و میزان و درصد سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده در سطح پایین در میان زنان خانه‌دار بالاتر از زنان شاغل است که نشان دهنده‌ی سطح پایین تر تحصیلات در میان زنان خانه‌دار است. در حالی که میزان و درصد سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده در سطح متوسط و بالا در میان زنان خانه‌دار کمتر از زنان شاغل است که این امر نشان دهنده‌ی سطح بالاتر تحصیلات در میان زنان شاغل است. نتیجه‌ی کلی که از جدول فوق می‌توان گرفت این است که میزان و درصد ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی در میان زنان شاغل به مراتب بیش از زنان خانه‌دار است که این امر می‌تواند سبب ایجاد روابطی دموکراتیک تر در خانواده‌ی آن‌ها (زنان شاغل) گردد.

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۱۹

- میزان روابط دموکراتیک با همسر در بین زنان شاغل و خانه‌دار

جدول (۳): آماره‌های مربوط به میزان روابط دموکراتیک با همسر در بین زنان شاغل و خانه‌دار

متغیر	آماره	میانگین	خطای استاندارد میانگین	میانگین	خطای استاندارد کشیدگی	حداقل	حداکثر
روابط دموکراتیک با همسر در بین زنان شاغل	۸۰/۳۹	۱/۷۲	۸۲	۰/۳۸۷	۱۹	۱۲۲	
روابط دموکراتیک با همسر در بین زنان خانه‌دار	۶۵/۶۴	۱/۴۸	۶۵/۵	۰/۳۸۱	۲۵	۱۱۹	

بر اساس جدول فوق، میانگین میزان روابط دموکراتیک زنان شاغل با همسران‌شان بیشتر از این میزان در بین زنان خانه‌دار است. این میزان ۸۰/۳۹ در مقابل ۶۵/۶۴ است یعنی روابط زنان شاغل با همسران‌شان بیشتر دموکراتیک است.

تحلیل دومتغیره و آزمون فرضیه‌های تحقیق

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، مؤلفه‌های متغیر مستقل را جداگانه با متغیر وابسته و به صورت دویه دو مقایسه و تحلیل کردیم. با توجه به این که متغیر وابسته و متغیر مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌کنیم:

- سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط دموکراتیک همسران

رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط دموکراتیک با همسر، در جدول (۴) نشان داده شده است:

جدول (۴): همبستگی سرمایه‌ی فرهنگی زنان با

روابط دموکراتیک با همسر

سرمایه‌ی فرهنگی زنان		متغیر وابسته
سطح معناداری	۲ پیرسون	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳۴۸	روابط دموکراتیک با همسر

همان‌گونه که جدول (۴) نشان می‌دهد بین سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط دموکراتیک با همسران‌شان رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان ۲ پیرسون ۰/۳۵ و

۲۰ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

نمایان گر رابطه‌ی مستقیم میان متغیرهای مذکور است. به عبارت دیگر؛ هرچه میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان افزایش پیدا کند روابط همسرشان با آن‌ها دموکراتیک و دوسویه‌تر می‌شود.

– سرمایه‌ی فرهنگی زنان و ابعاد روابط همسران:

رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط مبتنی بر قدرت، گفت‌وگو و ابراز محبت و صمیمیت در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول (۵): همبستگی سرمایه‌ی فرهنگی زنان با روابط مبتنی بر قدرت، گفت‌وگو و ابراز محبت و صمیمیت

سرمایه‌ی فرهنگی زنان		متغیر وابسته
سطح معناداری	۲ پیرسون	
۰/۰۰۰	۰/۳۳۳	روابط مبتنی بر قدرت
۰/۰۰۰	۰/۲۴۴	روابط مبتنی بر گفت‌وگو
۰/۰۰۰	۰/۳۴	روابط مبتنی بر ابراز محبت و صمیمیت

همان‌گونه که جدول (۵) نشان می‌دهد بین سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط مبتنی بر قدرت در خانواده، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان ۲ پیرسون ۰/۳۳۳ و نمایان گر رابطه‌ی مستقیم میان متغیرهای مذکور است. به عبارت دیگر؛ هرچه میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان افزایش پیدا کند، قدرت‌شان در خانواده بیشتر و به موازات آن رابطه‌ی همسران‌شان با آن‌ها دموکراتیک‌تر می‌شود.

هم‌چنین بین سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط مبتنی بر گفت‌وگو در خانواده، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. میزان ۲ پیرسون ۰/۲۴ و نمایان گر رابطه‌ی مستقیم میان متغیرهای مذکور است. به عبارت دیگر؛ هرچه میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان افزایش پیدا کند، میزان گفت‌وگوی آن‌ها با همسرشان بیشتر و روابط همسرشان با آن‌ها دموکراتیک‌تر می‌شود.

بین سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط مبتنی بر ابراز محبت و صمیمیت با همسرشان، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان ۲ پیرسون ۰/۳۴ و نمایان گر رابطه‌ی مستقیم میان متغیرهای مذکور است. به عبارت دیگر؛ هرچه میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان افزایش پیدا کند، میزان صمیمیت و ابراز محبت آن‌ها با همسرشان بیشتر و روابط همسرشان با آن‌ها دموکراتیک‌تر است.

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۲۱

– رابطه‌ی میان ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی زنان (سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته، نهادینه شده و تجسم یافته) و نوع روابط همسران:

رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی زنان و روابط با همسران در جدول (۶) نشان داده شده است:

جدول (۶): همبستگی میان ابعاد گوناگون سرمایه‌ی فرهنگی زنان با نوع روابط همسران

سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته		سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته		سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه- شده		متغیر وابسته
سطح معناداری	۲ پیرسون	سطح معناداری	۲ پیرسون	سطح معناداری	۲ پیرسون	متغیر مستقل
۰/۶۵	۰/۲۸	۰/۷۱	۰/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۱۹۴	روابط با همسران

همان گونه که جدول (۶) نشان می‌دهد بین سرمایه‌ی فرهنگی عینیت یافته‌ی زنان و روابط با همسران شان رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

همچنین جدول فوق بیان گر آن است که بین سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه شده‌ی زنان و روابط با همسران شان، در سطحی معنادار ۹۵ درصد رابطه وجود دارد. این رابطه به صورت مستقیم و میزان آن ۰/۱۹۴ است. بین سرمایه‌ی فرهنگی تجسم یافته‌ی زنان و روابط با همسران شان نیز رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.

آزمون فرضیه‌های زمینه‌ای:

جدول (۷) رابطه‌ی همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای و روابط دموکراتیک همسران را نشان می‌دهد:

جدول (۷): همبستگی متغیرهای زمینه‌ای و روابط دموکراتیک همسران^{۲۱}

روابط دموکراتیک زنان		متغیر وابسته
سطح معناداری	۲ پیرسون	متغیر مستقل
۰/۱۲۷	-۰/۰۹	فاصله‌ی سنی زوجها
۰/۸۹	۰/۰۰۸	اختلاف تحصیلات زوجها
۰/۰۰۰	۰/۲۴۱	میزان درآمد شوهر
۰/۰۰۰	۰/۲۵۶	منزلت شغلی شوهر
۰/۷۸۱	۰/۰۱۶	مدت زمان ازدواج
۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده

^{۲۱}. منزلت شغلی شوهر بر اساس نمرات استاندارد شده محاسبه شده است و این نمره از طریق جمع زدن رتبه شغلی استاندارد شده شوهر و میزان تحصیلات وی به دست آمده است که در نهایت سطح سنجش آن به صورت فاصله‌ای درآمد است. پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده نیز به صورت شاخص محاسبه شده است که در آن از نمرات استاندارد شده، استفاده شده و به این ترتیب سطح سنجش متغیر به صورت فاصله‌ای درآمد است.

ادامه‌ی جدول (۷): همبستگی متغیرهای زمینه‌ای و روابط

دموکراتیک همسران

روابط دموکراتیک زنان		متغیر وابسته
سطح معناداری	۲ پیرسون	متغیر مستقل
۰/۶۱	۰/۰۲۹	نوع ازدواج زوجها
۰/۷۷	-۰/۰۱۷	سن زنان
۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	تحصیلات زنان

همان‌گونه که جدول (۷) نشان می‌دهد، بین فاصله‌ی سنی زوجها و روابط دموکراتیک با همسر، هم‌چنین بین اختلاف تحصیلات زوجها و روابط دموکراتیک با همسر رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. بین میزان درآمد شوهر و روابط دموکراتیک با همسر در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ای معنادار وجود دارد و میزان این رابطه ۰/۲۴۱ و نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مستقیم و در حد ضعیف میان متغیرهای مذکور است. به عبارت دیگر؛ هر چه درآمد شوهر افزایش پیدا کند، روابط زوجها دموکراتیک‌تر می‌شود. بین منزلت شغلی شوهر و روابط دموکراتیک با همسر در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ای معنادار وجود دارد و میزان این رابطه ۰/۲۵۶ و نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مستقیم و در حد ضعیف میان متغیرهای مذکور است. به عبارت دیگر؛ هر چه منزلت شغلی شوهر افزایش پیدا کند، روابط زوجها دموکراتیک‌تر می‌شود. بین مدت زمان ازدواج و روابط دموکراتیک با همسر رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و روابط دموکراتیک با همسر رابطه‌ای معنادار در سطح معناداری ۹۹ درصد وجود دارد و میزان این رابطه ۰/۳۴ و نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی ضعیف و مستقیم میان متغیرهای مذکور است.

بین نوع ازدواج زوجها، سن زنان و روابط دموکراتیک با همسر رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. بین تحصیلات زنان و روابط دموکراتیک با همسر رابطه‌ای معنادار در سطح معناداری ۹۵ درصد وجود دارد و میزان این رابطه ۰/۴۶۷ و نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی نسبتاً قوی میان متغیرهای مذکور است.

تحلیل چندمتغیره و آزمون فرضیه‌ها در گام دوم:

در مرحله‌ی دوم، هم‌چنان‌که ملاحظه شد رابطه‌ی متغیر مستقل با متغیر وابسته را به‌طور جداگانه و به‌صورت دوه‌دو مقایسه و تحلیل کردیم و در این میان برخی از فرضیه‌های تحقیق ابطال و برخی دیگر تأیید شدند. در این بخش به‌منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۲۳

متغیر وابسته به تحلیل رگرسیونی^{۲۲} و در صورت امکان به تحلیل مسیر^{۲۳} داده‌ها می‌پردازیم. در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آن‌ها مشخص می‌شود. هم‌چنین از طریق تحلیل مسیر، سهم تأثیر هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته با لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آن‌ها تعیین می‌شود.

تحلیل و پردازش مدل از طریق رگرسیون چندمتغیره

به‌منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی روابط دموکراتیک زوج‌ها، ابتدا باید متغیرهایی مشخص شوند که قرار است وارد معادله‌ی رگرسیونی شوند. به همین منظور تمامی متغیرها را به روش استپ‌وایز^{۲۴} انتخاب و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله‌ی نهایی استفاده کردیم. جدول (۸) مدل رگرسیونی چندمتغیره را برای تبیین روابط دموکراتیک زوج‌ها نشان می‌دهد.

جدول (۸): مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین روابط دموکراتیک زوج‌ها

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند				
سطح معناداری t	مقدار t	ضرایب استاندارد		آزمون متغیرها
		Beta	B	
۰/۰۰۰	۴/۰۱۱	۰/۲۸	۰/۴۴	۱/۷۶
۰/۰۰۶	۲/۷۹	۰/۱۹	۱/۰۶	۲/۹۶
۰/۰۰۰	۳۳/۷	---	۲/۱۱	۷۱/۱۲
متغیرهایی که از معادله خارج شده‌اند				
سطح معناداری t		مقدار t		متغیرها
۰/۶۱		۰/۵۰۸		مدت زمان ازدواج
۰/۵۳		۰/۶۳۳		فاصله‌ی سنی زن و شوهر
۰/۹۶		۰/۰۴۹		نوع ازدواج
۰/۸۸		۰/۱۴۷		اختلاف تحصیلات زوج‌ها

جدول (۹): شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی

۰/۴۱۶	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۱۷۳	ضریب تعیین
۰/۱۶	ضریب تعیین واقعی
۱۹/۶۶	خطای استاندارد

22 . Analysis Regression

23 . Analysis Path

24 . Stepwise

۲۴ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

همان گونه که در جدول (۹) ملاحظه می شود، ضریب همبستگی چندگانه^{۲۵} $M.R=0/416$ ، ضریب تعیین^{۲۶} برابر $R^2=0/173$ و ضریب تعیین واقعی برابر $0/16$ و بیان گر این مطلب است که تقریباً ۱۶ درصد از واریانس و تغییرات متغیر روابط دموکراتیک زوجها توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می شود.

آماره های موجود در جدول (۸) گویای این واقعیت است که متغیر سرمایه ی فرهنگی زنان با بتای $0/28$ بر روابط دموکراتیک زوجها تأثیر می گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت و مستقیم و بیان گر این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر سرمایه ی فرهنگی زنان، متغیر روابط دموکراتیک زوجها به اندازه ی $0/28$ واحد تغییر می کند. بعد از سرمایه ی فرهنگی زنان، متغیر منزلت شغلی شوهر با بتای $0/19$ بر متغیر روابط دموکراتیک زوجها تأثیر می گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت، مستقیم و بیان گر این است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر منزلت شغلی شوهر، متغیر روابط دموکراتیک زوجها به اندازه ی $0/19$ واحد تغییر می کند.

- مدل رگرسیون چندمتغیره ی سرمایه ی فرهنگی زنان

مدل رگرسیون چندمتغیره جهت تبیین سرمایه ی فرهنگی زنان در جدول (۱۰) نشان داده شده است:

جدول (۱۰): مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین سرمایه ی فرهنگی زنان

متغیرهایی که وارد معادله شده اند					
متغیرها	آزمون	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	سطح معناداری t
		B	خطای استاندارد	Beta	
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	0/183	0/043	0/312	4/22	0/000
درآمد شوهر	0/001	0/001	0/168	2/3	0/02
سن زن	0/058	0/025	0/162	2/3	0/024
عرض از مبدأ (Constant)	-2/95	0/922	-	-3/22	0/002

جدول (۱۱): شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی

0/404	ضریب همبستگی چندگانه
0/164	ضریب تعیین
0/149	ضریب تعیین واقعی
2/92	خطای استاندارد

²⁵ . Multiple Correlation R

²⁶ . R Square

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۲۵

همان‌گونه که در جدول (۱۱) ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه^{۲۷} $M.R=0/404$ ، ضریب تعیین^{۲۸} مساوی $R^2=0/164$ و ضریب تعیین واقعی برابر $0/149$ و بیان‌گر این مطلب است که تقریباً ۱۵ درصد از واریانس متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود. آماره‌های موجود در جدول (۱۰) گویای این واقعیت است که متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، با بتای $0/312$ بر سرمایه‌ی فرهنگی زنان تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت و مستقیم و بیان‌گر این مطلب است که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، میزان سرمایه‌ی فرهنگی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که میزان سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است. همچنین میانگین روابط دموکراتیک با همسران در بین زنان شاغل بیشتر از خانه‌دارها است. آنچه اهمیت مسئله را بیشتر می‌کند ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی است. سرمایه‌ی تجسم‌یافته که به انواع هنرها و مهارت‌ها، مطالعه‌ی کتاب، رفتن به کنسرت و غیره اطلاق می‌شد در میان زنان بسیار اندک بود و سرمایه‌ی عینیت‌یافته که به دارایی‌های فرهنگی و استفاده از کالاهای فرهنگی و غیره اطلاق می‌شد، در میان زنان خانه‌دار وجود نداشت و در میان زنان شاغل هم کم و متوسط بود. میزان سرمایه‌ی نهادینه‌شده که با تحصیلات مطرح شد در میان زنان شاغل بیش از زنان خانه‌دار بود. شاید شرایط شغلی زنان آن‌ها را وادار به کسب مهارت‌ها و استفاده از کالاهای فرهنگی می‌کند. آنچه در این مطالعه مشخص شد این است که زنان خانه‌دار در سطحی بسیار پایین از سرمایه‌ی فرهنگی قرار دارند و همین امر در تربیت فرزندان‌شان مؤثر خواهد بود. سرمایه‌ی فرهنگی با هر سه مؤلفه‌ی روابط همسران (روابط مبتنی بر قدرت، گفت‌وگو و ابراز صمیمیت و محبت) رابطه‌ای معنادار داشت. در میان ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی زنان (نهادینه‌شده، عینیت‌یافته و تجسم‌یافته) تنها در بعد نهادینه‌شده (میزان تحصیلات فرد، همسر او، پدر و مادر) با روابط همسران رابطه‌ای معنادار وجود داشت.

²⁷. Multiple Correlation R

²⁸. R Square

۲۶ زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹

در تبیین تأثیر متغیر سرمایه‌ی فرهنگی بر نوع روابط همسران در خانواده به این نتیجه رسیدیم که بین متغیر سرمایه‌ی فرهنگی و روابط دموکراتیک زنان و همسرشان رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و ضریب پیرسون (۰/۳۵) رابطه‌ای مثبت را نشان می‌دهد. به عبارتی با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی زنان روابط همسرشان با آن‌ها دموکراتیک‌تر می‌شود.

هم‌چنین در تبیین تأثیر متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان با روابط همسران در بعد قدرت (روابط مبتنی بر قدرت)، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. ضریب پیرسون (۰/۳۲) که رابطه‌ای مثبت را نشان می‌دهد.

در تبیین تأثیر متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط مبتنی بر گفت‌وگو، رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. ضریب پیرسون (۰/۲۴) که نمایان‌گر رابطه‌ی مستقیم است.

در تبیین تأثیر متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان و روابط مبتنی بر ابراز محبت و صمیمیت به این نتیجه رسیدیم که رابطه‌ای معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. ضریب پیرسون (۰/۳۴) که نمایان‌گر رابطه مستقیم است.

در تبیین تأثیر متغیرهای زمینه‌ای تحقیق بر نوع روابط همسران این نتیجه حاصل شد که از میان کلیه متغیرهای زمینه‌ای تحقیق (فاصله‌ی سنی زوج‌ها، فاصله‌ی تحصیلات زوج‌ها، میزان درآمد شوهر، منزلت شغلی شوهر، مدت‌زمان ازدواج، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ی زن و شوهر، نوع ازدواج، سن زن و تحصیلات زن) تنها میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان درآمد شوهر، منزلت شغلی شوهر، تحصیلات زن و نوع روابط همسران، رابطه‌ای مثبت در سطح معناداری ۹۹ درصد وجود دارد. تأثیر درآمد شوهر بر نوع روابط همسران ضریب پیرسون (۰/۲۴۱)، تأثیر منزلت شغلی شوهر بر نوع روابط همسران ضریب پیرسون (۰/۲۵۶)، تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ی زن و شوهر بر نوع روابط همسران: ضریب پیرسون (۰/۳۳۷) و تأثیر تحصیلات زن بر نوع روابط همسران ضریب پیرسون (۰/۴۶۷). بنابراین در میان متغیرهای زمینه‌ای، تأثیر تحصیلات زنان از متغیرهای دیگر بیشتر بوده است.

به‌منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و دست‌یابی به مدل رگرسیونی روابط دموکراتیک زوج‌ها، ابتدا باید متغیرهایی مشخص شوند که قرار است وارد معادله‌ی رگرسیونی شوند. به همین دلیل تمامی

تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل، با نوع روابط همسران در خانواده ۲۷

متغیرها را به روش استپ‌وایز^{۳۹} انتخاب و در یک دستور رگرسیونی برای دست‌یابی به معادله‌ی نهایی از آن‌ها استفاده کردیم و در نهایت این نتایج به‌دست آمد:

از میان متغیرهایی که وارد مدل رگرسیون چندمتغیره شدند، متغیر اصلی ما یعنی سرمایه‌ی فرهنگی و از میان متغیرهای زمینه‌ای هم، متغیر منزلت شغلی شوهر باقی ماند و سایر متغیرهای زمینه‌ای از مدل ما خارج شدند. ضریب همبستگی چندگانه ($MR=0/416$)، (ضریب تعیین: $0/173$) و (ضریب تعیین واقعی: $0/16$).

آماره‌های موجود، گویای این واقعیت است که متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان، با بتای $0/28$ بر روابط دموکراتیک زوجین تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت و مستقیم و بیان‌گر این است که به‌ازای هر واحد افزایش در متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان، متغیر روابط دموکراتیک زوج‌ها به‌اندازه‌ی $0/28$ واحد تغییر می‌کند. بعد از سرمایه‌ی فرهنگی زنان، متغیر منزلت شغلی شوهر با بتای $0/19$ بر متغیر روابط دموکراتیک زوج‌ها تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت و مستقیم و بیان‌گر این است که به‌ازای هر واحد افزایش در متغیر منزلت شغلی شوهر، متغیر روابط دموکراتیک زوج‌ها به‌اندازه‌ی $0/19$ واحد تغییر می‌کند.

هم‌چنین برای تبیین سرمایه‌ی فرهنگی زنان در مدل رگرسیونی آن متغیرهای متعدد زمینه‌ای را وارد کردیم تا اثرات غیرمستقیم متغیرها را روی سرمایه‌ی فرهنگی زنان مطالعه کنیم. پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان و درآمد شوهر و سن زن وارد معادله شدند و این بار هم پایگاه اقتصادی-اجتماعی با بتای $0/312$ بیشترین اثر را روی سرمایه‌ی فرهنگی زنان داشت. آماره‌ها در جدول ۱۱ نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد از تغییرات روابط همسران به‌طور غیرمستقیم از طریق متغیرهای دیگر روی سرمایه‌ی فرهنگی زنان و سپس سرمایه‌ی فرهنگی زنان روی روابط تأثیر می‌گذارد.

در مجموع و از کل نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که متغیر اصلی یعنی متغیر سرمایه‌ی فرهنگی زنان شاغل بر نوع روابط همسران تأثیرگذار است. یعنی با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی آن‌ها روابط همسران با آن‌ها دموکراتیک‌تر می‌شود که البته با توجه به نتایج حاصل، مثبت و معنادار است.

پس می‌توان نتیجه گرفت که بر طبق تئوری منابع و نظرات بلود و ولف، توزیع قدرت در خانواده تا حدی به تملک منابع ارزش‌مند برمی‌گردد تا به نقش‌های جنسیتی سنتی و تصمیمات زن و شوهر در امور زندگی. نتیجه‌ی مستقیم؛ سهم هر یک از منابع مهمی است که در اختیار دارند.

31. Stepwise

بلا نیز بر طبق تئوری مبادله بر این نظر است که طرف فرودست در مبادله‌های نامتعادل یا نابرابر ممکن است کار طرف پاداش‌دهنده‌ی خود را با نوعی تقویت عمومی جبران کند که هومنز آن‌را تأیید اجتماعی نامیده است، و بلا آن‌را فرمان‌برداری یا تسلیم می‌نامد و به این معناست که فرد در مقابل دریافت امتیازی که نمی‌تواند به‌طور کامل آن‌را تلافی کند، تمایل دارد که از بعضی خواسته‌های خود در مقابل طرف دیگر چشم‌پوشی کند و فرمان‌بردار شود.

در این مقاله فرض بر این بود که زنانی که سرمایه‌ی فرهنگی بیشتری در اختیار دارند در رابطه با همسران خود از قدرتی بالاتر برخوردارند و روابط در چنین خانواده‌ای دموکراتیک‌تر خواهد بود چرا که آن‌ها در تبادل روابط با همسر خود منابع پاداش (سرمایه‌ی فرهنگی) را در اختیار دارند که نتایج نهایی نیز این مسئله را اثبات کرده است.

پیشنهادات

- به‌واسطه‌ی نتیجه‌ی تبیین در خصوص پایین بودن سرمایه‌ی فرهنگی زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار و مهم بودن نقش زنان در تربیت نسل بعد و قوام‌دهنده‌ی خانواده، توجه مسئولان امر را به این نکته مهم جلب می‌کنیم و انتظار می‌رود در جهت ارتقای سرمایه‌ی فرهنگی زنان سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح انجام دهند.
- اهمیت آموزش و یادگیری، در هر سنی و با هر شرایطی، یکی از آموزه‌های دینی ما است که به آن کمتر اهمیت داده‌ایم.
- مطالعه‌ی کتاب و استفاده از کالاهای فرهنگی در جامعه باید بیش از پیش رایج شود تا از محتوای آن‌ها در جهت بهبود روابط در خانواده بیشتر بهره ببریم.
- با آموزش خانواده‌ها و به‌ویژه با ارتقای سطح سرمایه‌ی فرهنگی و در نتیجه، کسب توان‌مندی‌های بیشتر آن‌ها، روابطی دموکراتیک‌تر در خانواده و جامعه ایجاد شود.

منابع

Abbott, P., & Wallace, C (2001) An introduction to sociology: Feminist perspectives. London: Routledge.

- Amirizani, F** (1998) Women's position in the family's pyramid of power. MA dissertation, Azad University of Tehran, Tehran, Iran. (In Persian)
- Behnud, M** (2003) A study of effective factors in relationships between partners in families. MA dissertation, Allamé Tabatabayi University, Tehran, Iran. (In Persian).
- Blood, R. O., Jr., & Wolfe, D. M** (1960) Husbands and wives: The dynamics of married living. Westport, CT: Greenwood Press.
- Bourdieu, P** (1989) Forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, P** (2001) Practical reason: On the theory of action (R. Johnson, Trans.). Stanford, CA: Stanford University Press.
- Chalabi, M** (2004) The sociology of regulation. Tehran: Nashr-e Ney. (In Persian)
- Giddens, A** (1989) Sociology, polity press.
- Enayat, H** (1997) Impact of mothers employment on family dimensions in Fars Province. The research project for state of Fars.
- Fazeli, M** (2004) Consumption and life style. Qom, Irān: Sobh-e Sādeq. (In Persian).
- Harker, R, Mahar, C., & Wilkes, C** (Eds.) (1990) An introduction to the work of Pierre Bourdieu: The practice of theory. Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Macmillan.
- Hillier, J., & Rooksby, E. (Eds.)** (2002) Habitus: A sense of place, Aldershot: Ashgate.
- Kerlinger, F. N** (1986) Foundations of behavioral research (3rd ed.). Fort Worth: Holt, Rinehart, and Winston.
- Khun chaman, Ali** (1998) Social Class of Family and Its impact on couples. Ms thesis in Shiraz University.
- Musavi Chalak, S. H., & Soltani, F** (2005) Statistical analyses about Iran's social issues: Vol. 3. Marriage and divorce. Tehran: Shalak Publications. (In Persian).